نگاه

کدهای انحرافی یک پرونده



مهسا جزینی

● **یکم:** بابک زنجانی کد اشتباهی می‌دهد. حامیانش هم در پی او. قرار است پرونده بابک زنجانی را در حد یک بدهی به شرکت نفت و بعد هم بازی سیاسی و رفتارهای تلافی‌جویانه تقلیل دهند. آنها معتقدند پیوندزدن زنجانی با احمدی‌نژاد اشتباه بوده است. حامیان بابک زنجانی که صفحه فیس‌بوک او را در اختیار دارند یا برایش در تلگرام گروه درست می‌کنند- اگرچه هردو گروه مدعی‌اند ارتباطی باهم ندارند- در یک چیز مشترک‌اند. نوک حملات آنها به دولت فعلی و اصلاح‌طلبان است. با اصولگرایان کاری ندارند و سعی می‌کنند اظهارنظرهای مقامات قوه قضائیه را هم در ارتباط با پرونده کیفرخواست ۲۰۰جلدی بابک زنجانی نادیده بگیرند. بابک زنجانی متهم پرونده‌ای است که قوه قضائیه در حال رسیدگی به آن است، اما این سخنان زنگنه و ترکان و جهانگیری است که حامیان او را برمی‌آشوبد و در پاسخ به کاریکاتوری که می‌خواهد بگوید زنجانی حامیانی قدرتمند در پشت سر خود دارد، کاریکاتوری ما بازای آن می‌کشند، با این مضمون که این جهانگیری و زنگنه‌اند که سعی دارند بابک زنجانی را غول فساد جا بزنند. گویا زنجانی در بازداشت دولت است. خود زنجانی هم از زندان نامه‌ای به روحانی می‌نویسد و نه‌تنها از سخنان جهانگیری - که او را گردن‌کلفت خوانده است - گلایه می‌کند، بلکه در فراری رو به جلو، دولت را متهم کند. این فرار رو به جلو را می‌توان از یک جمله کلیدی در نامه زنجانی خطاب به روحانی دریافت: «در اصل مجموعه شما دنبال یک زیاده‌خواهی است و اسم آن را فساد من نامیده است». این درحالی است که این نه دولت روحانی و دولتمردانش، بلکه دادستان بود که چندی قبل از اینکه برخی رسانه‌ها ماجرای بابک زنجانی را به یک بدهی صرف تقلیل دهند، شکایت داشت و گفته بود: «برخی رسانه‌ها عنوان می‌کنند پرونده بابک زنجانی فقط بدهکاری است، درحالی‌که این‌طور نیست». جعفری دولت‌آبادی گفته بود: «حجم پرونده او سه‌برابر پرونده مه‌آفرید است» یا «پرونده‌ای بزرگ در تاریخ قضائی ایران محسوب می‌شود. پرونده بابک زنجانی پرونده‌ای ملی است». سخنگوی قوه قضائیه هم چندی قبل گفته بود: «این پرونده ۲۰۹ جلد دارد که هر جلد حداقل ۲۰۰ صفحه است» یا اینکه «بابک زنجانی از طریق واسطه‌هایی به بیرون زندان پیغام می‌فرستاده است»، اما به نظر می‌رسد شبکه‌ای از حامیان او آگاهانه اظهارنظرهای مقامات قضائی، درباره زنجانی را فاکتور می‌گیرند و به دنبال انحراف ماجرا از مسیر اصلی و تقلیل آن به یک بازی سیاسی- جناحی‌اند.

دوم: یکی از مدیران سابق زنجانی می‌گوید: «روزی از زنجانی سؤال کردم چطور این دولت [احمدی‌نژاد] را تحمل می‌کنی و او جواب داد که آنها من را تحمل می‌کنند». حامیان بابک زنجانی اصرار دارند گره‌زدن او به دولت احمدی‌نژاد اشتباه است. آنها چه درست بگویند چه غلط، ادعایشان یک نکته دارد، همان نکته کمتر پرداخته‌شده پرونده؛ شبکه حامی او، خواه درون دولت قبل یا بیرون از آن. امیرعباس سلطانی، عضو کمیته پیگیری بابک زنجانی در مجلس، چندی پیش به «سایت تدبیر خبر» گفته بود: «زنجانی گفته است گروهی از او حمایت می‌کردند و او تنها ویترین این گروه بزرگ است». اشاره جهانگیری و پالیزدار، رئیس ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، به نامه بدون شماره ثبت و دست‌نویس سه یا چهار وزیر و مسئول دولت احمدی‌نژاد، ازجمله وزیر دارایی، رئیس بانک مرکزی و وزیر نفت هم مؤید همین نکته است. در آن نامه آنها تأیید کرده بودند منابع یکی از شرکت‌های وزارت نفت، از بانکی در ترکیه به حساب مؤسسه جعلی بابک زنجانی در مالزی واریز شود.

سوم: حامیان زنجانی این‌گونه نتیجه می‌گیرند که تبرئه بابک زنجانی به سود اصولگرایان و محکومیتش به سود دولت فعلی است و این پرونده می‌تواند به پاشنه آشیل دولت روحانی بدل شود، اما آیا واقعا تبرئه زنجانی آن‌طور که حامیان زنجانی می‌گویند به سود اصولگرایان است؟ اصولگرایان که خود از دولت قبلی اعلام برائت کرده‌اند و از زمانی در برابر آن قرار گرفتند، چرا باید از تبرئه او خوشنود شوند؟ شاید در این یک مورد حق با حامیان زنجانی باشد. تبرئه زنجانی، تبرئه احمدی‌نژاد و تبرئه اصولگرایان است. اصولگرایانی که به دلیل حمایت تمام‌قد از دولت احمدی‌نژاد ،به نوعی شریک عملکرد اویند.

چهارم: حامیان زنجانی هشدار می‌دهند زنهار، وقتی زنجانی روزی از زندان خلاصی یابد... می‌گویند او خواسته است که تمامی مطالب و نوشته‌های روزنامه‌ها و سایت‌ها درباره خودش را آرشیو کنند تا بعد از آزادی از زندان، به حساب آنهایی که علیه او قلم زده‌اند برسد! گویا امیدواری او به آینده زیاد است... .

بابک زنجانی امروز علنی محاکمه می‌شود

بدهکارِ طلبکار

ادامه از صفحه۶

بدون اینکه بخواهم انگیزه‌خوانی کنم، اما به‌عنوان وکیلی که می‌داند که راهکاری برای برگشت این پول وجود دارد، صحبت می‌کنم.

این پول خارج از کشور است؟

بله.

کدام کشور؟

عرض کردم که بسیار محرمانه است. این را اعلام کردیم. آقای زنگنه تا به حال بارها گفته‌اند آدرس پول‌هایی که تاکنون از سوی ما داده شده جعلی یا دروغ بوده است که این هم در نوع خود جالب است و من در دادگاه از این هم دفاع خواهم کرد. برای اولین‌بار مرجعی پیدا شده و رسما به شاکی پرونده؛ یعنی وزارت نفت اعلام کرده که بیایید درباره بدهکاری این فرد صحبت و پرداخت کنیم.

یعنی شما مدعی هستید که مثلا تاجیکستان و مالزی و... که قبلا آدرس دادید و مقامات رفته‌اند، پول بوده و آنان دروغ می‌گویند؟

اینکه می‌گویند ما رفتیم و پولی نبود پاسخ روشنی دارد. اولا شما میهمان ناخوانده بودید و کسی از شما نخواسته بود که بیایید پول بگیرید و بروید. این دوستان در شرایط بگیروببند تحریم‌ها به دنبال پول رفته‌اند. طبیعتا اگر این دوستان به بانکی خارج از کشور مراجعه کرده و پرسیده‌اند آیا بابک زنجانی اینجا پول دارد، آن طرف اگر پاسخ مثبت می‌داده آن بانک به مشارکت در پولشویی از نظر قانون تحریم‌ها متهم می‌شده است؛ یعنی خود بانک جریمه می‌شد و خزانه‌داری آمریکا با آن بانک شدیدترین برخوردها را می‌کرد. طبیعی است که آن بانک مورد نظر از ارائه اطلاعات درست سر باز زند.

اما موکل شما مدت‌هاست که از فهرست تحریم‌ها خارج شده است.

بله، اما هنوز عملیاتی نشده. هنوز هم هیچ‌کس نمی‌تواند یک دلار جابه‌جا کند. ضمن اینکه فراموش نکنید که بر فرض از تحریم‌ها هم خارج و عملیاتی هم شده است، اگر آن بانک بیاید و اعلام کند زنجانی در این بانک پول دارد، به این معناست که در زمان تحریم‌ها مرتکب تخلف شده است، اعتبار آن بانک زیر سؤال می‌رود و هم شامل مجازات آمریکا می‌شود. در چنین شرایطی مسئولان ذی‌ربط به آن بانک‌ها مراجعه کرده و پرسیده‌اند آیا پول زنجانی در این بانک است؟ طبیعتا آن بانک منکر می‌شود، آن هم یک گروه خیلی بزرگ و مسئول. طبیعتا باید ماجرا چراغ خاموش پیش می‌رفت. به نظر می‌رسد در وصول مطالبات هم وزارت نفت به‌عنوان شاکی درایت لازم را به خرج نمی‌دهد. اکنون یک نهاد خاص می‌گوید من حاضرم مطالبات را پرداخت کنم.

نهاد حاکمیتی؟

خیر. متأسفانه چند ماه است که ما این را اعلام کرده‌ایم. من شخصا لوایح متعددی نوشتم. با شرکت نفت کتبی و شفاهی صحبت کردم. التماس کردیم که این پول موجود است، شما هم که دغدغه بیت‌المال دارید، بروید این پول را بیاورید. ما گفتیم مخارج رفت‌وآمد را هم متهم پرداخت می‌کند، اما حاضر نشدند بروند به آدرسی که ما می‌دهیم و پول را بازگردانند. می‌گویند زنجانی تاکنون دروغ گفته قطعا این هم دروغ است. گفتم یک‌درصد تصور کنید که این حقیقت داشته باشد؛ چه ضرری دارد این را هم پیگیری کند. بروید ببینید که دروغ است و موکل را خلع سلاح کنید. ما در دادگاه خواهیم گفت که ما آدرس و نشانی پول را دادیم اما دوستان پیگیر نشدند. چرا؟ شاید برای این است که این پرونده مفتوح بماند تا دوستان به اهدافی برسند. سازوکار بازپرداخت یا تسریع در استرداد پول‌های مورد ادعا وجود دارد. ضمن اینکه موکل بازداشت می‌شود و تنها و تنها متهم است نه مجرم. با توجه به شرایط تحریم امکان بازگرداندن پول به کشور وجود ندارد اما زنجانی به‌صورت داوطلبانه تمام اموال خود در داخل ایران را تقدیم می‌کند. وکالت رسمی بلاعزل به شاکی می‌دهد که بروید همه اموال را در اختیار بگیرید. این حسن‌نیت موکل من است.

وزارت نفت و برخی دیگر از مسئولان بارها اعلام کرده‌اند اموال داخل ایران هرگز به اندازه مبلغ بدهی نیست. ضمن اینکه می‌توانم مبلغی از شما دریافت کنم و بگویم آن مبلغ الان نیست اما من این دارایی‌ها را دارم که یک پنجم آن را جبران می‌کند. این حسن‌نیت است؟

ببینید. این‌طور نیست. این ادعای دوستان است. اولا متهم سوءنیت داشته یا خیر؟ داوطلبانه آمده بدون اینکه هیچ الزامی وجود داشته باشد اموال را در اختیار قرار می‌دهد. بعد هم من به‌عنوان وکیل پرونده، از دادستانی در کارشناسی اموال و در کمک به واگذاری آنها از شرکت نفت و استیفای حقوق بیت‌المال تشکر می‌کنم. چون شاهد بودم که مسئول مستقیم پرونده، معاون دادستان تهران، آقای تورگ، صادقانه تلاش کرد. یک بار کارشناسی شد و طرفین اعتراض زدند و دوباره این عمل انجام شد و پروسه طولانی بود. البته از نظر ما به بعضی از این ارزیابی‌ها ایراد وارد است. یعنی در قیمت کارشناسی اعتراض داریم. اگر به قیمت واقعی و عادلانه ارزیابی می‌شد بخش عمده‌ای از بدهی را جبران می‌کرد.

اما آقای سلطانی می‌گوید تاریخ آخرین سررسید بازپرداخت پول نفت پیش از این است که زنجانی مورد تحریم قرار بگیرد؟

با قاطعیت عرض می‌کنم که صحت ندارد. غیرممکن است.

رئیس کمیته پیگیری پرونده به‌تازگی گفته بود خواهر و مادر بابک زنجانی مدعی اموال او شده‌اند. این صحبت را تأیید می‌کنید؟

این قلب علنی واقعیت است. موضوع کاملا برعکس است. اولا آقای زنجانی از خرداد ۹۰ تا دی همان سال با شرکت نفت همکاری کرده است. اینکه گفته می‌شود و خود شما هم بارها نوشتید که قبل از آن بابک زنجانی هیچ نداشت و بعد از آن ثروتمند شد...

یعنی این‌گونه نیست؟ روایتی وجود دارد که این فرد در سال ۸۶ در کیش تنها یک مغازه عطر فروشی داشته است. این را یکی از دوستان آقای زنجانی به خود من گفته بودند.

تمام این موارد در پرونده موجود است. موکل قبل از سال ۹۰ چند ده شرکت بزرگ داشته و ثروتمند بوده است. اینها همه در ثبت شرکت‌ها موجود است. تمام اموالی که در اختیار شرکت نفت قرار گرفته، متعلق به قبل از کار نفتی اوست. ادعای خانواده زنجانی متعلق به دو سال پیش است. تاکید زنجانی هم بر این است که اموالی را توقیف کنید که در مالکیت من قرار دارد، نه اینکه اموال خانواده او را هم تصرف کنند. مثلا ملکی که سال ۸۵ به نام مادر ایشان ثبت شده، چه ارتباطی به این پرونده دارد؟ الان این اتفاق رخ‌داده است. سه روز پیش از برگزاری دادگاه می‌گویند، آنها مدعی هستند. موضوعی را که متعلق به گذشته است را اکنون مطرح می‌کنند. خوشبختانه آقای دادستان، با تمهیداتی که اندیشیدند و به آقای تورگ، ابلاغ کردند تا صدور حکم قطعی از انتقال اموال خانواده جلوگیری شود.

شما هم خواهان دادگاه علنی هستید؟

ای‌کاش و صد ای‌کاش که دادگاه علنی برگزار شود تا حقایق برای مردم ایران روشن شود و آنها قضاوت کنند. دادگاه علنی باعث می‌شود تا همه در چارچوب قانون رفتار و عمل کنند. در این شرایط حقوق‌دانان و اهل فن هم فارغ از این هیاهو نظر می‌دهند. متأسفانه کسانی که تا کنون اظهارنظر کرده‌اند، حتی یک برگ از این پرونده را نخوانده‌اند. بعضی هم که صحبت می‌کنند صرفا اطلاعات گزینشی و بخشی از واقعیت را منتشر می‌کنند. من قول می‌دهم اگر دادگاه علنی برگزار شود، تاریخ هم قضاوت خواهد کرد که در این پرونده عمل مجرمانه‌ای انجام نشده و بحث صرفا حقوقی و تخلف است. متأسفانه فضا به سمتی رفت که یک بدهی و مشکل حقوقی تبدیل به معضلی شد که ممکن است حق حیات و جان یک نفر، از او گرفته شود. من به‌عنوان کسی که اطلاعات حقوقی اندکی دارم می‌گویم بسیاری از مواردی که تا امروز گفته شده صرفا ادعاست و وصف کیفری ندارد. این پرونده دارای ابعاد حقوقی، کیفری، حقوق بین‌المللی و حقوق بانکی است. باید متخصصان هر حوزه نظر بدهند. در این پرونده ما نظر حقوقی کارشناس رسمی دادگستری صالح، در امور بانکداری بین‌المللی را نداریم. باور من این است که بدون داشتن این آگاهی و نظر متخصصان نمی‌توان متوجه حقیقت شد.

نامه اخیر آقای زنجانی به رئیس‌جمهور ادبیات بسیار تندی داشت. دلیل چه بود؟

موکل من در شرایط سختی به سر می‌برد. از سویی هر روز در رسانه‌ها و یا توسط مسئولان اتهام‌های مختلفی به او زده می‌شود. استیفای حقوق بیت‌المال، منافاتی با رعایت ادب و نزاکت و اخلاق ندارد. چرا به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند؟ شما بررسی کنید، ببینید چه صفاتی درباره متهمی که هنوز متهم است و جرمی از سوی او به اثبات نرسیده به کار برده‌اند. نباید برای پیشبرد امور، به هر وسیله‌ای متوسل شد. در این شرایط چه انتظاری از متهم دارید؟ به نظرم باید داور یعنی قوه‌قضائیه، رسیدگی کند و ماهم در عمل به او اعتماد کنیم.

این نامه به رئیس‌جمهور چگونه منتشر شده؟ چه کسی آن را منتشر کرده است؟

یک نسخه از این نامه در اختیار من بوده. در اختیار قاضی پرونده هم قرار گرفته است. یک نسخه هم خانواده آقای زنجانی، داشته و یک نسخه هم در اختیار وکیل آقای زنجانی، در مالزی یعنی خانم رضایی بوده است. من نامه را منتشر نکردم. البته این به معنای اعلام برائت نیست، اما اقدامی برای انتشار نامه نکردم.

شما گفتید فردی در شرایط سخت تحریم موفق شده به کشور خدماتی انجام دهد. یعنی نفت را فروخته و بخشی از پول آن را هم به کشور وارد کرده است. نکته اینجاست که هر فردی که ادعا می‌کرد می‌تواند این کار را بکند و به وزارت نفت مراجعه می‌کرد که این امکان در اختیار او قرار نمی‌گرفت. ضمن اینکه گفته شده هم رئیس بانک مرکزی و هم چهار وزیر دولت احمدی‌نژاد در نامه‌ای زنجانی را تأیید کرده‌اند. این بدین معناست که رانتی بوده که در اثر روابط سیاسی در اختیار این فرد قرار گرفته است. فکر نمی‌کنم این مسائل قابل انکار باشد. یعنی روابط سیاسی خاصی که منجر به همکاری اقتصادی می‌شود.

من نه وکیل آن مقام‌های دولتی هستم و نه وکیل دولت احمدی‌نژاد، وکیل زنجانی هستم، اما به‌عنوان کسی که پرونده را مطالعه کرده و اتفاقا نامه‌ای را که شما به آن اشاره می‌کنید خوانده‌ام باید بگویم که در این پرونده افراد متعددی به‌عنوان متهم احضار و افراد بسیار بیشتری به‌عنوان مطلع به دستگاه قضائی فراخوانده شده‌اند. طبیعی است که در این پرونده که درباره کالایی استراتژیک به نام نفت است افرادی به‌عنوان مطلع احضار شوند که صاحب مناصب بسیار بالایی بوده باشند. نامه‌ای که شما به آن اشاره می‌کنید را خواندم و نمی‌توانم جزئیات آن را بگویم، اما این نامه تأییدی بر آقای زنجانی نیست. این نامه بحثی است که در آن شرایط باید چه کرد. نفت روی نفتکش‌ها بر روی خلیج فارس مانده بود. نهادهای ذی‌صلاح به فکر چاره بودند. هر لحظه ممکن بود دچار حادثه شود. حتی در مقطعی تصمیم گرفتند این نفت‌ها را دفن کنند. بعد مجددا به دلیل مسائل محیط‌زیستی منصرف شدند.

یعنی در دولت احمدی‌نژاد نمی‌توانستند نفت را بفروشند و می‌خواستند آن را دوباره در زمین دفن کنند؟ این شاهکاری بزرگ بود که اگر رخ می‌داد در کنار برخی عجایب دیگر آن دولت در تاریخ ثبت می‌شد.

بله. زیرا چاره‌ای نداشتند. شرکت نفت قادر به فروش نفت نبود.

خب چرا زنجانی؟

چون سابقه‌ای که ایشان در همکاری با نهادهای دولتی و خصوصی در انتقال ارز داشت برای دولتمردان روشن بود. نقاطی بود که پول‌ها بلوکه شده بود و زنجانی موفق شد این پول‌ها را برگرداند. موکل من مستقیما در فروش نفت دخالت نداشت. اینکه می‌نویسد مگر من با شرکت نفت معامله کرده‌ام حقیقت است و ما جزئیات را در دادگاه اعلام می‌کنیم. زنجانی اعلام می‌کند من روابطی در دنیا دارم که برای فروش نفت به شما کمک می‌کنم تا پول را برگردانید. اصل همکاری بر مبنای بازگرداندن پول بوده است. هیچ رسیدی مبنی بر اینکه یک بشکه نفت در آن دولت به موکل من تحویل داده باشند وجود ندارد.

خب در آن زمان که از این اتفاقات بسیار رخ می‌داد. پول دلکی را که هیچ‌وقت وارد کشور نشد پرداخت کردند و رسید تحویل هم دادند. این در آن مقطع چیز عجیبی نیست. ضمن اینکه آقای سلطانی، نماینده مجلس اعلام کردند ۱۲ محموله نفت به ایشان سپرده شده و تعداد ۸ تا را قطعی فروخته‌اند.

خیر. این‌طور نیست. این ناشی از فقر اطلاعات کافی ایشان است. نفت چیزی نیست که در ظرف دست بگیریم و جابه‌جا کنیم. نفت در کشتی است و بارنامه و اسناد تحویل و ترخیص دارد. هیچ سندی مبنی بر تحویل نفت به زنجانی وجود ندارد. ما می‌گوییم اگر سندی هست بیاورید و پول آن را نقد بگیرید. زنجانی واسطه‌ای بوده که چون شرکت نفت نمی‌توانسته محصولش را به فروش برساند این کار را انجام دهد و پولش را بازگرداند. اگر کسی قصد سوءاستفاده داشته باشد قبل از تحریم‌ها یک محموله گازی چندمیلیارددلاری را که در اختیار داشته و نتوانسته بفروشد برمی‌گرداند؟

پس معترفید محموله را تحویل گرفته بود؟

نه. نفت نه. این محموله گازی بوده است. درواقع هیچ‌چیز را تحویل نگرفته است. واسطه‌ای بوده که شرکت نفت را به مراکز خرید وصل می‌کرده است.

باز هم تفاوتی در اصل قضیه ایجاد نمی‌کند. همان‌طور که شما گفتید نفت را در ظرف تحویل نمی‌دهند. بابک زنجانی نفت داخل کشتی متعلق به شرکت نفت را به فرد یا شرکت سومی می‌فروخته و چون امکان انتقال پول به حساب شرکت نفت نبوده، مبالغ به حساب زنجانی یا حسابی که او معرفی می‌کرده واریز می‌شده تا او آن را به ایران بازگرداند. خب این تغییری در اصل قضیه نمی‌دهد که نفت را به او تحویل داده‌اند یا خیر. اختیار محموله و پول آن در دست زنجانی بوده است. اگر این‌گونه است که شما می‌گویید پس برای چه چیزی به وزارت نفت بدهکار است؟

آقای زنجانی واسطه شده کسی را معرفی کرده است. تحریم شده نمی‌تواند پول را بازگرداند. اینکه ما می‌گوییم این موضوع کیفری نیست همین است. بابک زنجانی در قراردادی حقوقی ضامن بانکی خارجی می‌شود که آن بانک پول را برگرداند.

بانک خودش؟

چه تفاوتی دارد؟

کاملا متفاوت است. درواقع از این جیب به آن جیب است.

به‌هرحال تحریم باعث می‌شود که در این مورد مشکل به وجود بیاید. زنجانی چکی دومیلیاردیوروییی می‌دهد و ضامن می‌شود که پول بازگردد. این در پرونده است. تاریخ چک اردیبهشت ۹۳ است، او سال ۹۲ بازداشت می‌شود. آقای زنجانی می‌گوید چهار ماه مانده بود تا زمانی که من باید چک را پاس می‌کردم. شما که نمی‌توانستید پول را بازگردانید، من باید می‌رفتم پول را بازمی‌گرداندم. خزانه‌داری آمریکا برای همین توانمندی، زنجانی را تحریم کرد. موضوع حقوقی بود و او ضامن حقوقی بازگشت پول بود. چهار ماه پیش از موعد بازداشت شد.

ادامه در صفحه ۱۹

نکته



نفت روی نفتکش‌ها بر روی خلیج [فارس] مانده بود. نهادهای ذی‌صلاح به فکر چاره بودند. هر لحظه ممکن بود دچار حادثه شود. حتی در مقطعی تصمیم گرفتند این نفت‌ها را دفن کنند. بعد مجددا به دلیل مسائل محیط‌زیستی منصرف شدند

ادامه از صفحه اول

افزایش اعتماد عمومی با محاکمه علنی

محاکمه علنی و عادلانه عوامل دخیل در این فسادها و شریکان و یاری‌دهندگان آنان که در ادبیات حقوقی با عنوان «مباشرین، شرکا و معاونین» یاد می‌شوند، اهمیت پیدا می‌کند. بدیهی است فقط از این طریق می‌توان افکار عمومی را که صاحبان اصلی حقوقی هستند که در جریان این فسادها از بین رفته، مطلع و قانع کرد.

در محاکمات مربوط به مفاسد اقتصادی که یک نمونه آن هم محاکمه آقای «ب.ز» است و خوشبختانه قرار است امروز به‌صورت انجام شود، اصل محدودیت بازداشت متهم با توجه به الزامات قانون جدید، رعایت شده و با توجه به ابعاد قضیه و ورود مجلس شورای اسلامی که قطعا در رأس امور است و اینکه موضوع پرونده، مصداق هیچ‌یک از موارد مستثناشده در اصل ۱۶۵ قانون اساسی نیست، غیرعلنی‌بودن دادگاه با منطق حقوقی تناسبی نداشت. همچنین اعتقاد به اینکه فساد در هر شکلی و هر سطحی، مستقیما امنیت جامعه را هدف قرار داده و گسترش آن، اعتماد مردم به کارآمدی و بلکه سلامت کارگزاران حکومت را سست می‌کند، مزایای علنی‌بودن دادگاه و حضور اصحاب رسانه در چنین محاکمی را بیشتر می‌کند.

بنده بر اساس تجربه شخصی خود در سه مورد از پرونده‌های مهم فساد، ازجمله پرونده موسوم به ۱۲۰میلیاردی که در آن به عنوان وکیل یکی از بانک‌ها حضور داشتم و همچنین برآورد نتایج محاکمات سایر پرونده‌های فساد در سال‌های اخیر که هریک رکورد قبلی را درهم شکسته، معتقدم محاکمات علنی، موجب ایجاد اعتماد مردم به دستگاه قضا شده و رسانه‌های عمومی هم با انتشار محتوای جلسات، باعث افزایش اطمینان مردم به عملکرد کارگزاران امین می‌شوند.

